

# منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله - (لوح عبدالوهاب) وأما ما سألت عن الروح وبقائه بعد صعوده فاعلم إنه يصعد حين ارتقائه إلى أن يحضر بين يدي الله

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



وأما ما سألت عن الروح وبقائه بعد صعوده اعلم إنه يصعد حين ارتقائه إلى أن يحضر بين يدي الله في هيكل لا تغيّره القرون والأعصار ولا حوادث العالم وما يظهر فيه ويكون باقياً بدوام ملكوت الله وسلطانه وجبروته واقتداره ومنه تظهر آثار الله وصفاته وعناية الله وألطفه إن القلم لا يقدر أن يتحرّك على ذكر هذا المقام وعلوه وسموه على ما هو عليه وتدخله يد الفضل إلى مقام لا يعرف بالبيان ولا يذكر بما في الإمكان طوبى لروح خرج من البدن مقدّساً عن شبهات الأمم إنه يتحرّك في هواء إرادة ربه ويدخل في الجنة العليا وتطوفه طلعات الفردوس الأعلى ويعاشر مع أنبياء الله وأوليائه ويتكلّم معهم ويقصّ لهم ما ورد عليه في سبيل الله رب العالمين لو يطّلع أحد على ما قدر له في عوالم الله ربّ العرش والثرى ليشتعل في الحين شوقاً لذاك المقام الأرفع الأقدس الأبهى

به لسان پارسی بشنو، یا عبدالوهاب علیک بهائی اینکه سؤال از بقای روح نمودی این مظلوم شهادت می دهد بر بقای آن و اینکه سؤال از کیفیت آن نمودی آنه لا یوصف و لا ینبغی ان یدکر الا علی قدر معلوم انبیا و مرسلین محض هدایت خلق بصراط مستقیم حق آمده اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا



ORIGINAL



AUDIO

در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلیٰ نمایند لعمر الله اشراقات آن ارواح سبب ترقیّات عالم و مقامات امم است ایشانند مایهٔ وجود و علّت عظمی از برای ظهورات و صنایع عالم بهم تمطر السحاب و تنبت الأرض هیچ شیء از اشیاء بی سبب و علّت و مبدء موجود نه و سبب اعظم ارواح مجرّده بوده و خواهد بود و فرق این عالم با آن عالم مثل فرق عالم جنین و این عالم است باری بعد از صعود بین یدی الله حاضر میشود بهیچلی که لایق بقا و قابل آن عالم است این بقا بقاء زمانست نه بقاء ذاتی چه که مسبوقست بعلّت و بقاء ذاتی غیر مسبوق و آن مخصوص است بحقّ جلّ جلاله طوبی للعارفین اگر در اعمال انبیا تفکر نمائی یقین مبین شهادت میدهی که غیر این عالم عالمهاست حکمای ارض چنانچه در لوح حکمت از قلم اعلیٰ نازل اکثری بآنچه در کتب الهی نازل قائل و معترفند ولکن طبیعیین که بطبیعت قائلند در بارهٔ انبیا نوشته‌اند که ایشان حکیم بوده‌اند و نظر بتربیت عباد ذکر مراتب جنّت و نار و ثواب و عذاب نموده‌اند حال ملاحظه نمائید جمیع در هر عالمی که بوده و هستند انبیا را مقدم بر کل میدانند بعضی آن جواهر مجرّده را حکیم میگویند و برخی من قبل الله میدانند حال امثال این نفوس اگر عوالم الهی را منحصر باین عالم میدانستند هرگز خود را بدست اعدا نمیدادند و عذاب و مشقّاتی که شبه و مثل نداشته تحمّل نمی فرمودند...